

ستون بنا کرد و گنبدی بر آن قرار داد.^۱ نیز دو مسجد دیگر را به نام‌های علی بن ابی طالب علیه السلام و سلمان فارسی که در پایین مسجد فتح از جهت قبله قرار داشت، در سال ۵۷۵ق. تجدید بنا کرد.^۲ ساخت مسجد وادی* یا مسجد عسکر در سال ۵۸۰ق. که به سبب قرار داشتن در محل شهادت حمزه سیدالشهداء به مسجد مصرع* (شهادتگاه) معروف بوده، از دیگر آثار عمرانی ابن ابی‌الهیجاء است که در سمت شرقی دامنه جبل الرماة قرار داشته است.^۳ نیز وی در حدود سال ۵۶۰ق. شعبه‌ای از چشمه الزرقاء را از سمت باب السلام* به حیاط نزدیک مسجد پیامبر و شعبه کوچکی را نیز به داخل صحن مسجد کشید و در آن فواره‌ای نصب کرد تا مردم از آن آب وضو بگیرند.^۴ آرامگاه ابن ابی‌الهیجاء در قبرستان بقیع دارای بقعه کوچکی نزدیک قبه عباس بن عبدالمطلب و ائمه علیهم السلام بود^۵ که به دست آل سعود ویران شد.

◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ انعاظ الحنفاء: المقریزی

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۴۳.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۴۳؛ تاریخ مکه المشرفة، ج ۱، ص ۲۹۹.

۳. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۵۳.

۴. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۵۱۶؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۲۰۷.

۵. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰؛ آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۳۱.

(م. ۸۴۵ق.)، به کوشش الشیال، مصر، وزارة الاوقاف، ۱۴۱۶ق؛ تاریخ حرم ائمه بقیع: محمد صادق نجمی، تهران، مشعر، ۱۳۸۰ش؛ تاریخ مکه المشرفة: محمد بن احمد ابن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش علاء و ایمن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق؛ التحفة اللطیفة: شمس الدین السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، قاهره، دار الثقافة، ۱۳۹۹ق؛ صبح الاعشی: احمد بن علی القلقشندی (م. ۸۲۱ق.)، به کوشش زکار، دمشق، وزارة الثقافة، ۱۹۸۱م؛ قاموس الحرمین: محمد رضا نعمتی، قم، مشعر، ۱۳۷۶ش؛ کشف الارتیاب: سید محسن الامین (م. ۱۳۷۱ق.)، به کوشش امین، مکتبة الحریس، ۱۳۸۲ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المواعظ و الاعتبار: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش المنصور، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۶م.

مهدی امیریان



ابن أم مکتوم: مؤذن و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در مدینه در برخی غزوه‌ها برای اقامه نماز

عمرو / عبدالله بن قیس بن زائدة بن اصم از تیره بنی عامر بن لؤی قریش، از عرب عدنانی است^۶ که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جدّه هشتم (لؤی) به هم می‌رسند.^۷ مادرش ام مکتوم عاتکه، دختر

۶. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۵؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۹۷.

۷. جمهرة انساب العرب، ص ۱۷۱.

روزی پیامبر در پی اندرز دادن به عتبه بن ربیع، ابوجهل و عباس بن عبدالمطلب بود که ابن ام مکتوم نایبنا، به سوی ایشان آمد و بی توجه به گفت و گوی پیامبر ﷺ خواست تا ایشان آیه‌ای از قرآن را بدو بیاموزد. رسول خدا از وی روی برگرداند و به گفت و گوی خود با افراد یاد شده ادامه داد. در پی آن، آیات آغازین عبس/ ۸۰ نازل شد. از آن پس، پیامبر او را گرامی می‌داشت و نیاز وی را برمی‌آورد.^۵

بر پایه اعتقاد بزرگان شیعه، چنین سخنی درباره پیامبر اکرم ﷺ پذیرفتنی نیست. طبرسی پس از بیان داستان پیشین، به نقل از سید مرتضی یادآور شده است که ظاهر این آیات هیچ دلالتی ندارد که مخاطب آن، پیامبر ﷺ باشد؛ بلکه قرآینی می‌توان یافت که مقصود فردی غیر از رسول خداست؛ زیرا ترش‌رویی حتی در رویارویی با دشمنان سرسخت، از صفات پیامبر نیست، چه رسد با مؤمنان.

مؤید این سخن، آیات «وَإِنَّكَ لَعَلَّ خُلْنِي عَظِيمٌ» (قلم/ ۶۸، ۴) و «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا عَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/ ۳، ۱۵۹) است. از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که آیه

عبدالله بن عنکبته بن عامر از تیره بنی مخزوم قریش است.^۱ از این رو، عمرو به «ابن ام مکتوم» شهرت یافت. وی پسر دایی حضرت خدیجه رضی الله عنها محسوب می‌شد، زیرا مادر خدیجه رضی الله عنها خواهر قیس بن زائده بود.^۲ در منابع، از زمان تولد وی تا مسلمان شدنش، جز اشاره به نایبناهی او در کودکی، گزارشی در دست نیست. برخی حدیث قدسی «پاداش بهشت از آن کسی است که خداوند چیز با ارزشی را از او بگيرد» را در باره وی دانسته‌اند.^۳ مردم مدینه او را عبدالله؛ و اهل شام و عراق او را عمرو می‌خواندند.^۴

ابن ام مکتوم از نخستین مسلمانان بود؛ اما دانسته نیست که چندمین نفر است. از حضور او در رویدادهای دوران مکی پیامبر ﷺ اطلاع چندان در دست نیست. مفسران ذیل آیات ۱-۱۰ عبس/ ۸۰: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى...» شأن نزول آن را رفتار نامناسب فردی دانسته‌اند که با دیدن ابن ام مکتوم چهره ترش کرد و از او روی برگرداند. برخی مفسران اهل سنت، این رفتار را به پیامبر نسبت داده و آیات یاد شده را در شأن ایشان دانسته‌اند. به نقلی،

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۵؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۷۶۰.

۲. جمهرة انساب العرب، ص ۱۷۱؛ الاصابه، ج ۴، ص ۳۹۵.

۳. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۶.

۴. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۵. جامع البيان، ج ۳۰، ص ۶۴-۶۵؛ كشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۶. الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۱۴-۳۱۵.

۷. مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۶۶۴.

درباره مردی از بنی امیه است.^۱ علامه طباطبایی^۲ و جعفر مرتضی عاملی^۳، به تحلیل تاریخی، کلامی و اخلاقی درباره شأن نزول این آیات پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که آن‌ها ارتباطی با رسول خدا ندارند.

ابن ام مکتوم از نخستین مهاجران به یشرب بود که در مأموریت مُصعب بن عمیر^۴ به سال دوازدهم بعثت برای تبلیغ اسلام و آشنا ساختن مردم با قرآن به آن شهر هجرت کرد.^۴ اما در گزارشی دیگر، او اندکی پس از غزوه بدر در سال دوم ق. به آن شهر رفته^۵ و در خانه مخرمة بن نوفل که به دار القراء معروف بود، فرود آمده است.^۶

ابن ام مکتوم در کنار بلال از مؤذنان پیامبر ﷺ در مدینه بود و هر یک زودتر به جماعت می‌رسید، اذان و دیگری اقامه می‌گفت.^۷ بر پایه روایتی، امساک روزه‌داران در ماه رمضان با ندای ابن ام مکتوم آغاز می‌شد.^۸ اما به روایتی از امام صادق علیه السلام، ابن ام مکتوم پیش از صبح اذان می‌گفت و

مردم با اذان بلال، روزه خود را آغاز می‌کردند.^۹ برخی گزارش‌ها حکایت دارند که ابن ام مکتوم تنها در غیاب دیگر مؤذنان همانند بلال، اذان می‌گفت.^{۱۰}

ابن ام مکتوم در غزوه‌های بسیار جانشین پیامبر ﷺ در مدینه بود.^{۱۱} برخی شمار آن را ۱۳ غزوه دانسته‌اند.^{۱۲} بر پایه گزارشی، او نخستین کسی بود که به جانشینی ایشان گماشته شد.^{۱۳} غزوه‌های قرقره الکدر، بدر، بواط، بنی سلیم، سویق، ذوالعشیره، ابواء در سال دوم ق.، اُحُد، حمراء الأسد، عطفان، بخران در سال سوم، ذات الرقاع در سال چهارم، بنی قریظه در سال پنجم، ذوقرد در سال ششم، فتح مکه به سال هشتم، و حجة الوداع در سال دهم از غزوه‌ها و سفرهایی هستند که از جانشینی ابن ام مکتوم در آن‌ها سخن به میان آمده است.^{۱۴} به تصریح برخی، جانشینی او تنها در نماز بود؛ زیرا فرد نایبنا مجاز به حکم کردن میان مردم نیست، چرا که نمی‌تواند طرفین را ببیند.^{۱۵} بر پایه گزارشی، وی پیش از نبرد بدر به سال دوم ق. همراه ابواحمد بن جحش اسدی که وی

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۶۴.

۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

۳. نک: الصحيح من سيرة النبي، ج ۳، ص ۱۵۵-۱۶۷.

۴. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۵. انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۲۴؛ الاستيعاب، ج ۳، ص ۹۹۷.

۶. الطبقات، ج ۴، ص ۲۰۵؛ الاستيعاب، ج ۳، ص ۹۹۷-۹۹۸.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۲.

۸. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۶.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۹۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷.

۱۰. الطبقات، ج ۳، ص ۱۷۷.

۱۱. انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۲۴؛ الاستيعاب، ج ۳، ص ۹۹۸.

۱۲. تاریخ خلیفه، ص ۴۸؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۱۳. الادارة فی عصر الرسول، ص ۹۷.

۱۴. نک: المغازی، ج ۱، ص ۸؛ تاریخ خلیفه، ص ۴۸.

۱۵. الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵؛ الادارة فی عصر الرسول، ص ۹۸.

از زندگی ابن ام مکتوم پس از رحلت پیامبر ﷺ گزارشی در دست نیست، جز حضور او در نبرد قادسیه به سال ۱۶ق. که با ایرانیان انجام شد. بر پایه گزارشی، وی در این نبرد، پرچمی سیاه^۷ در دست داشت و طبق نقلی، در همین جنگ به شهادت رسید.^۸ اما برخی دیگر از بازگشت وی از قادسیه به مدینه و درگذشت وی در این شهر در زمان خلافت عمر سخن گفته‌اند.^۹ ابن شهبه از خانه او میان آل زمعه بن اسود و شرق دار القمقم در مدینه منوره یاد کرده است.^{۱۰}

◀ منابع

الادارة فی عصر الرسول: احمد عجم کرمی، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۷ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۳۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ اقصیة رسول الله ﷺ: ابن طلّاح قرطبی (م. ۴۹۷ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۶ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ خلیفه: خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل

نیز نابینا بود، به حضور پیامبر رسید و نظر ایشان را درباره شرکت در جنگ جویا شد. در این هنگام، آیه ﴿لَا یَسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ غَیْرُ أُولِی الضَّرْرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾ (نساء/ ۴، ۹۵) نازل شد و آن دو را از نبرد معاف نمود.^۱ در این آیه، خداوند جهادگران را با فرونشستگان، جز ناتوانان، نابرابر دانسته است.^۲ طبرسی نزول این آیه را درباره متخلفان از جنگ تبوک* در سال نهم دانسته که با نزول ﴿غَیْرُ أُولِی الضَّرْرِ﴾ ابن ام مکتوم از آن استثنا شده است.^۳ در غزوه بدر، نخست رسول خدا ابن ام مکتوم را جانشین خود قرار داد؛ اما در میان راه ابولبابه اوسی را بدین منظور به آن شهر بازگرداند.^۴ پیامبر از غنایم بدر برای ابن ام مکتوم سهمی در نظر گرفت.^۵ وی در غزوه أحد به سال سوم، هنگامی که شایعه کشته شدن پیامبر ﷺ را شنید، با سرزنش فراریان از نبرد، از مردم خواست تا او را به أحد ببرند. در میان راه، به هر کسی که می‌رسید، از حال پیامبر جویا می‌شد و آن‌گاه که از سلامتی پیامبر آگاهی یافت، به مدینه بازگشت.^۶

۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۳۰۹-۳۱۱.

۲. الطبقات، ج ۴، ص ۱۵۹؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴۷.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۱۵۹؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۶۱۲؛ الطبقات،

ج ۳، ص ۱۵۵، ۳۴۸.

۵. اقصیة رسول الله، ص ۴۶.

۶. المغازی، ج ۱، ص ۲۷۷.

۷. المعارف، ص ۲۹۰؛ الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۰.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۶۵؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۹. الطبقات، ج ۴، ص ۱۶۱؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۱۰. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴.

زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ المدینة المنورة: ابن شبة النمیری (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علماء بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المکتبة العلمیه؛ الصحیح من سیرة النبی ﷺ: جعفر مرتضی العاملی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کشف الاسرار: میبیدی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ من لایحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق.

سید علی رضا واسعی



ابن تیمیه: فقیه، محدث، مدافع مذهب منسوب به سلف و الهام بخش عقیدتی وهابیت در شبه جزیره

ابن تیمیه به سبب کثرت و تنوع فعالیت‌ها و شیوه رفتار خاصش در امور سیاسی و برخورد سختگیرانه با پیروان مذاهب اسلامی، شخصیتی چالش برانگیز به شمار رفته و دو مواجهه کاملاً متفاوت پدید آورده است؛ از طرفداری سرسختانه کسانی مانند ابن کثیر دمشقی، ابن قیم جوزیه و وهابیان در دوره معاصر تا مخالفان سرسخت از علمای بارز مذاهب اسلامی. افزون بر این، آرای او درباره زیارت قبور و تبرک و توسل و شفاعت، مبنای نگرش وهابیان در اداره امور حرمین قرار گرفته است. هر چند آرای تندروانه ابن تیمیه درباره موضوعات پیش گفته و نیز نگرش تعصب آمیزش به مذاهب اسلامی، نقش یک مؤسس را در جریان سلفی به وی داده است. پیش از وی نیز شخصیت‌هایی چون عز بن عبدالسلام و محمد بربهاری (م. ۳۲۹ق.) و برخی حنبلیان تندرو چنین دیدگاه‌هایی داشته‌اند.

وی را با القابی چون مفسر، رجالی، حافظ، مفتی، ادیب و لغت‌شناس^۱ و آگاه از کلام،

۱. العقود الدریه، ص ۵۷؛ البداية و النهایه، ج ۱۴، ص ۱۲۷؛ شذرات الذهب، ج ۸، ص ۱۴۵.